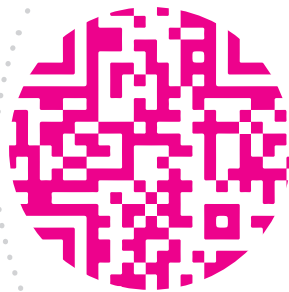


# حوزه تمدن ساز: راهکارهای تحقق تمدن نوین اسلامی



سیدجواد میرخلیلی<sup>۱</sup>

## درآمد

سخن گفتن از تمدن اسلامی و نقش حوزه‌های علمیه در حیات و استمرار آن؛ در حقیقت، سخن از نقش حوزه در پیامدها و آثار ظاهری دین در جامعه است. تمدن نوین اسلامی در واقع، راهبرد کلانی است که در عمق بیداری و حرکت‌های اسلامی؛ به‌ویژه انقلاب اسلامی ایران قرار دارد و برپایی این تمدن با همه ابعاد و زوایا در ظرفیت جهان اسلام و در صلاحیت اندیشه ناب اسلامی وجود دارد. نکته مهمی که در این میان وجود دارد، این‌که مهندسی تمدن نوین اسلامی و تربیت مدیران و کارگزاران آن، وظیفه حوزه علمیه است؛ به بیان دیگر، حوزه انقلابی و چشم‌انداز پیش رو، تحقق تمدن نوین اسلامی است که بدون نقش‌آفرینی حوزه علمیه، تحقق آن امکان‌پذیر نیست.<sup>۲</sup> حوزه باید فهم تمدنی و سپس تفکر تمدنی داشته باشد. وقتی از تمدن نوین اسلامی

باید از عرصه نظام‌سازی؛ یعنی ارائه تئوری‌ها و نظریه‌ها در عرصه‌های علوم گوناگون شروع کنیم. یک نظام سیاسی را طراحی کردیم و موفق شدیم این نظام سیاسی را بر اساس تئوری نظریه ولایت فقیه طراحی کنیم و حضرت امام علیه السلام توانست اجزای مکمل این نظریه را با مسائلی که بعد از انقلاب عینیت پیدا کرد، تبیین کند و یک نظریه، یک الگو و قرائت از نظریه ولایت فقیه شکل دهد؛ البته الگوهای عملیاتی تحقق نظریه ولایت فقیه می‌تواند اعم از الگوی جاری در قالب جمهوری اسلامی ایران باشد.<sup>۳</sup>

پیش از انقلاب، ظرفیت و بنیان‌های لازم برای ایجاد یک جامعه پیشرفته و متمدن فراهم نبود؛ چون که دو مشکل و مانع اساسی همواره بر سر راه هویت تمدنی و در نتیجه شکل‌گیری یک تمدن اسلامی- ایرانی وجود داشت؛ مشکل نخست به وضعیت داخلی کشور برمی‌گشت که ریشه در فرهنگ سیاسی- اجتماعی داشت. این امر بزرگ‌ترین مانع بر سر راه کشور و موجب واپسماندگی بود، که نتیجه آن مصائب بی‌شماری بود که در چند قرن اخیر با آن مواجه شدیم؛ برای این که مهم‌ترین پیش‌شرط ساخت تمدن وجود همبستگی میان طبقات مختلف جامعه است که در پرتو آن بتوانند به خیرهمگانی

سخن گفته می‌شود؛ باید از عظمت تمدن‌سازی آگاهی داشته باشیم، از ظرایف و پیچیدگی‌های تمدن‌سازی آگاهی داشته باشیم، از پروسه‌ای بودن و نه پروژه‌ای بودن شکل‌گیری تمدن‌ها آگاهی داشته باشیم، رقبای بزرگ خودمان را در عرصه تمدن‌سازی بشناسیم. نباید تمدن‌سازی را به یک شعار توخالی تقلیل دهیم؛ البته بعد از ایجاد فهم ژرف تمدنی، نوبت به بهره‌مندی از تفکر تمدنی می‌رسد. حوزه و روحانیت باید اهداف و چشم‌انداز تمدنی داشته باشد؛ باید در عرصه‌های گوناگون، مانند درون‌حوزوی و برون‌حوزوی ایده‌های تمدنی داشته باشد و این خیلی مهم است.

پیش از ورود به بحث از وظایف و راهکارهای رسیدن به حوزه تمدن‌ساز؛ باید به یکی از آسیب‌های عمده در این راه اشاره کرد که حائز اهمیت است؛ از جمله آن، که کلان و راهبردی است، ضعف نظام‌سازی در راستای حرکت به سوی پایه‌ریزی تمدن اسلامی است. حوزه باید مسیری را طی کند که از آن تئوری‌پردازی و نظام‌سازی در عرصه‌های مختلف را طراحی کند تا سرانجام به شکل‌گیری تمدن اسلامی منجر شود که در کنار تمدن‌های دیگر بتواند خود را نشان دهد و زندگی مردم را در سراسر جهان اداره و آن‌ها را مدیریت و تدبیر کند. در عرصه اول که الهام‌گرفته از فرمایشات مقام معظم رهبری است که می‌فرمایند: «ما

نباید تمدن‌سازی را به یک شعار توخالی تقلیل دهیم؛ البته بعد از ایجاد فهم ژرف تمدنی، نوبت به بهره‌مندی از تفکر تمدنی می‌رسد. حوزه و روحانیت باید اهداف و چشم‌انداز تمدنی داشته باشد؛ باید در عرصه‌های گوناگون، مانند درون‌حوزوی و برون‌حوزوی ایده‌های تمدنی داشته باشد.

ببندیشند و برای دستیابی به آن عمل کنند؛ هم طبقه حاکم، منافع و مصالح مردم را در نظر داشته باشد و هم مردم منافع ملی را در رفتارهای خود مراعات کنند. تحولات تاریخ معاصر تا قبل از انقلاب اسلامی از قرارداد

ترکمانچای گرفته تا ناکامی مشروطه و کاپیتولاسیون، همگی ناشی از نبود همبستگی و شکاف بین مردم و حاکمان بوده است، که سبب شده بود ایرانیان از هویت ملی محروم شوند؛ بنابراین هنگام مواجهه کشور با معضلات و مصائب؛ همانند بیگانه‌ای بودند که صرفاً نظاره‌گر ماجرا می‌شدند. حاکمان ایران معاصر نیز تا پیش از انقلاب اسلامی، خود را برای ایران نمی‌دانستند تا هویتی از این گستره عظیم اخذ کنند؛ بلکه ایران را ملک مطلق خود دانسته و بر این باور بودند که نام آن‌هاست که به ایران هویت می‌بخشد. درحقیقت هویتی

که دو قرن اخیر در ایران وجود داشت، نوعی هویت قبیلگی و عشیره‌ای بود و رفتارها بر اساس آن شکل می‌گرفت. پادشاهان مردم را؛ همچون رعایای یک قبیله در نظر می‌گرفتند و همین امر سبب می‌شد برداشتی ملی یا تمدنی از کشور و جامعه نداشته باشند و مردم

نیز برای بهره‌مندی بیشتر از مزایا و منافع نیز بر اساس همین سیستم عمل می‌کردند؛ مشکل دوم از فشارهای بیرونی شکل گرفت؛ یعنی از یک سو استعمار و قدرت‌های خارجی از راه‌های گوناگون مانع رسیدن کشور به یک

هویت ملی و تمدنی بود تا آسان‌تر به اهداف خود برسند و از سوی دیگر ورود مدرنیته به ایران بر معضلات و مصائب کشور افزود؛ چون که مبانی مادی آن؛ به ویژه سکولاریسم موجود در آن که حذف دین - یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت‌ساز در جامعه ایران - را در سر داشت، سبب شد جامعه دچار نوعی بحران هویت شود.<sup>۴</sup> امام خمینی ره توانست

با طرح ولایت فقیه، هویت تمدنی جامعه ایران را فعال نماید؛ بنابراین با شکل‌گیری این هویت، حرکت جامعه به سمت ساخت یک تمدن اسلامی ایرانی آغاز شد. از سوی دیگر مقام معظم رهبری در استمرار راه امام ره، با طرح الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در صدقند فرایند هویت‌سازی تمدنی را روشمند سازند و با ایجاد الگویی کارآمد نسل‌های مختلف انقلاب اسلامی را در مسیر حرکت به سمت تعالی قرار دهند. در واقع انقلاب برآمده از این رویکرد، انقلابی

تحولات تاریخ معاصر تا قبل از انقلاب اسلامی از قرارداد ترکمانچای گرفته تا ناکامی مشروطه و کاپیتولاسیون، همگی ناشی از نبود همبستگی و شکاف بین مردم و حاکمان بوده است. که سبب شده بود ایرانیان از هویت ملی محروم شوند؛ بنابراین هنگام مواجهه کشور با معضلات و مصائب؛ همانند بیگانه‌ای بودند که صرفاً نظاره‌گر ماجرا می‌شدند. حاکمان ایران معاصر نیز تا پیش از انقلاب اسلامی، خود را برای ایران نمی‌دانستند تا هویتی از این گستره عظیم اخذ کنند؛ بلکه ایران را ملک مطلق خود دانسته و بر این باور بودند که نام آن‌هاست که به ایران هویت می‌بخشد.

استاد حوزه، تدریس خود را با عمل، رفتار و گفتار خود تطبیق دهد، بدون شک طلبه تهذیب یافته تربیت خواهد کرد؛ بنابراین برای راهبری نرم که در مقابل راهبری سخت (صرفاً کارهای اجرایی و صنفی) قرار دارد، حوزه برای راهبری جامعه نیازمند بایدهایی است. از آن جایی که انقلاب اسلامی زمینه‌ای حوزوی دارد؛ باید به تداوم انقلابی توجه داشته باشد. تداوم حوزه انقلابی؛ یعنی پایبندی به مبانی و ارزش‌های اسلامی و انقلابی، حرکت هدفمند و بدون احساس به سمت آرمان‌های انقلابی، استقلال‌خواهی حوزه، دشمن‌شناسی، تقوای سیاسی و دینی، اتکا به نیروی جوانی طلاب، طرد خوی اشرافی‌گری، انصاف در همه زمینه‌ها و در کل کار انقلابی برای رضای خدا؛ البته در همه این موارد توجه به فرهنگ را می‌توان احساس کرد.

برخی از این وظایف و راهکارها عبارت است از:

**الف) پاسخ‌گویی مسائل تمدن‌سازی اسلامی در دنیا:** یکی از اقدامات اساسی هویت‌ساز در حوزه انقلابی این است که حوزه باید به دنبال اقامه اجتماعی در مقیاس جهانی باشد تا بتواند مسائل تمدن‌سازی اسلامی را در دنیا پاسخ‌گو باشد. فقه و فلسفه (دستگاه عقلانی)؛ باید با بالندگی خود برای

تمدن‌ساز است و به تعبیر مقام معظم رهبری «پیچی تاریخی» در مسیر حرکت ایران اسلامی ایجاد کرد؛ ولی آنچه با انقلاب اسلامی محقق شده، پتانسیل تمدن‌سازی در جامعه ایران است که تا کنون از مدل و الگوی خاصی برای حرکت برخوردار نشده بود؛ از این رو الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیز که برآمده از نگاه تمدنی مقام معظم رهبری است، این فرایند را از حالت ابتدایی خارج و باروشمندساختن آن، پویایی آن را تضمین می‌کند.<sup>۵</sup>

## وظایف و راهکارهای تحقق تمدن نوین اسلامی از سوی حوزه بر اساس نظرات نخبگانی

در این جا این سؤال مطرح می‌شود که وظیفه حوزه انقلابی در راستای نیل به تمدن نوین اسلامی چیست؟ در پاسخ می‌توان گفت مهم‌ترین وظیفه هر فرد و نهادی این است که وظیفه خود را به خوبی انجام دهد که این امر اصل عدالت‌گستری است؛ به بیان دیگر اگر طلبه خواهان دروس دینی باشد و مطالعات خود را با معرفت و اخلاق همراه کند و با مشکلات جامعه دغدغه‌وار برخورد نماید، می‌تواند بهترین الگوی عملی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی باشد؛ هم‌چنین اگر

● امام خمینی علیه السلام توانست با طرح ولایت فقیه، هویت تمدنی جامعه ایران را فعال نماید؛ بنابراین با شکل‌گیری این هویت، حرکت جامعه به سمت ساخت یک تمدن اسلامی ایرانی آغاز شد. از سوی دیگر مقام معظم رهبری در استمرار راه امام علیه السلام با طرح الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در صد دند فرایند هویت‌سازی تمدنی را روشمند سازند و با ایجاد الگویی کارآمد نسل‌های مختلف انقلاب اسلامی را در مسیر حرکت به سمت تعالی قرار دهند.

تمدن‌سازی آماده شوند، تا دانش اخلاقی متناسب با حکومت جهانی توسط حوزه‌های علمیه تبیین و تحقق پیدا کند. امروز تفکر شیعی وارد رقابت تمدنی شده است و مبانی فکری انقلاب اسلامی بقای نظام‌های مادی را تهدید می‌کند. این امر مسئولیت حوزه انقلابی را در پاسخ‌گویی به این نیاز دوچندان کرده است؛ بنابراین ریشه‌بی‌تفاوتی بخشی

از حوزه به انقلاب اسلامی این است که برخی در قبال تمدن‌سازی نو، مسئولیتی برای خود احساس نمی‌کنند و به فهم، انتشار واجبات، محرمات تکلیفی و رفتاری اکتفا می‌کنند. همان‌گونه که حوزه انقلابی تمدن‌ساز است؛ از این رو ضروری است حوزه‌ها بیش از پیش الزامات ورود خود به تمدن‌سازی را فهم و باور کنند که همراه با حفظ و استمرار ارزش‌های گذشته، حوزه علمیه و روحانیت برای بالندگی خود نیاز به چنین تحولی دارد. تحول به معنای نادیده‌گرفتن علوم و رویه‌های گذشته نیست؛ بلکه به معنای گشودن افق‌های جدید در مرزهای دانش و در عرصه

حضور و نفوذ است. تمدن‌سازی به معنای ایجاد محیط زیست عینی توسط بشر برای

ارضای هرچه بیشتر نیازهای فردی و اجتماعی اوست؛ بنابراین تمدن اسلامی زمانی اتفاق می‌افتد که نیازها بر محور فرهنگ اسلامی تعریف شده باشد و ابزارهای ارضای نیاز نیز با فرهنگ اسلامی تناسب داشته باشد. در واقع ساختن تمدنی مبتنی بر فرهنگ مستلزم جریان‌بخشی فرهنگ در دانش‌ها (مفاهیم)، ساختارها و محصولات می‌باشد. تنها در این صورت است که تمدن

اسلامی ابعاد جهانی به خود می‌گیرد؛ بر این اساس پیشگامی حوزه‌های علمیه در تمدن‌سازی به معنای تضمین اسلامیت دانش‌ها، ساختارها و محصولات مورد نیاز در جامعه می‌باشد که اسلامیت ساختارهای سیاسی تنها یکی از اجزای این مشارکت محسوب می‌شود.<sup>۷</sup>

به هر حال، با توجه به این که رسالت حوزه رساندن پیام حق، حقانیت و گسترش فرهنگ توحید در گستره جهانی است، این رسالت نیاز به گفتمان جهانی دارد. تحقق گفتمان جهانی در سایه تمدن‌سازی امکان‌پذیر می‌گردد؛ بنابراین، اگر حوزه قصد انتشار و رساندن

پیام توحید و فرهنگ عدالت در جهان را دارد، نیازمند ابزاری برای ارائه معارف خود است.

فقه و فلسفه (دستگاه عقلانی)؛ باید با بالندگی خود برای تمدن‌سازی آماده شوند، تا دانش اخلاقی متناسب با حکومت جهانی توسط حوزه‌های علمیه تبیین و تحقق پیدا کند. امروز تفکر شیعی وارد رقابت تمدنی شده است و مبانی فکری انقلاب اسلامی بقای نظام‌های مادی را تهدید می‌کند. این امر مسئولیت حوزه انقلابی را در پاسخ‌گویی به این نیاز دوچندان کرده است؛ بنابراین ریشه‌بی‌تفاوتی بخشی از حوزه به انقلاب اسلامی این است که برخی در قبال تمدن‌سازی نو، مسئولیتی برای خود احساس نمی‌کنند و به فهم، انتشار واجبات، محرمات تکلیفی و رفتاری اکتفا می‌کنند.

مقام معظم رهبری کسانی که می‌توانند کار فرهنگی بکنند، به کارهای اجرایی و سیاسی مشغول نباشند، حتی این‌گونه نباشد که اگر کسی پا در عرصه کار فرهنگی نهاد، به کار سیاسی بپردازد؛ البته برای کار فرهنگی هم باید عرصه داخلی را مد نظر داشت و هم عرصه بین‌المللی؛ چراکه بسیاری از غربی‌ها نیز اذعان دارند که

اومانيسم غرب با مشکلات عدیده روبه‌رو می‌باشد و این حوزه انقلابی است که می‌تواند راه نیمه هموار شده تمدن نوین اسلامی را گسترش دهد و به سمت تمدنی شکوفا در حرکت باشد که حوزه برای رسیدن به این مهم نیازمند «بایدها» و «نبایدها» می‌است. شاید اولین «باید» توجه به آموزش و پرورش طلاب باشد که مهم‌ترین اصل در کادرسازی نیروها در زمینه‌های اخلاقی، علمی و عملی برای آینده تمدن است.

### (ج) رویکرد حکومتی به فقه:

حوزه‌های علمی پیش از آن‌که جهت نقش‌آفرینی در تحقق تمدن نوین اسلامی گام بردارند؛ باید جهت‌پرکردن شکاف بین حوزه‌های علمی و

حکومت اسلامی گام بردارند؛ هم‌چنین اگر

حوزه با شرایط کنونی، ظرفیت کمی در سطح جهان برای گسترش معارف خود ایجاد کرده است و با وجود فرهنگ‌های رقیب که با نگاه تمدنی به ترویج آموزه‌های خود پرداخته‌اند، کار بسیار دشوارتر از آن است که تصور می‌گردد. به همین سبب، حوزه نیازمند به کارگیری ابزار جامع‌تر و کارآمدتر برای رسالت خود خواهد بود.

### (ب) توجه جدی به فرهنگ

**بومی:** حوزه علمیه با توجه به مسئولیت انقلابی‌اش لازم است به فرهنگ بومی توجه جدی داشته باشد و هموارکننده رسیدن به تمدن نوین اسلامی باشد. جمهوری اسلامی ایران با دو نوع تهدید مواجه است: تهدیدات درونی و تهدیدات و تهاجمات بیرونی، که مهم‌ترین اثربخشی حوزه در عرصه فرهنگی؛ نخست، مقابله با تهدیدات درونی و بیرونی و خنثی‌سازی تهاجمات در حوزه جنگ نرم؛ دیگر، ارائه راهکارها برای تأثیرگذاری بر سطح فردی و اجتماعی جامعه؛ سپس در عرصه جهانی باشد. بنابراین از آن‌جا که مهم‌ترین کار حوزه علمیه، فرهنگی محسوب می‌شود، نیاز است همه کارها

مهم‌ترین کار حوزه علمیه، فرهنگی محسوب می‌شود، نیاز است همه کارها را خیره‌ها انجام دهند و بر اساس سخن مقام معظم رهبری کسانی که می‌توانند کار فرهنگی بکنند، به کارهای اجرایی و سیاسی مشغول نباشند، حتی این‌گونه نباشد که اگر کسی پا در عرصه کار فرهنگی نهاد، به کار سیاسی بپردازد؛ البته برای کار فرهنگی هم باید عرصه داخلی را مد نظر داشت و هم عرصه بین‌المللی؛ چراکه بسیاری از غربی‌ها نیز اذعان دارند که اومانيسم غرب با مشکلات عدیده روبه‌رو می‌باشد و این حوزه انقلابی است که می‌تواند راه نیمه هموار شده تمدن نوین اسلامی را گسترش دهد و به سمت تمدنی شکوفا در حرکت باشد که حوزه برای رسیدن به این مهم نیازمند «بایدها» و «نبایدها» می‌است.

را خیره‌ها انجام دهند و بر اساس سخن

حکومت، حکومت دینی باشد نرم افزارهای آن، نیز از دین تأمین شود. هیچ بخشی از فقه نباید ویژگی صرف علمی داشته باشد؛ بلکه ارزش عملی فقه نیز باید مد نظر قرار گیرد و فقه علم عمل است و باید فقه قابلیت تبدیل به ماده قانونی برای اجرا شدن داشته باشد.<sup>۸</sup> بنابراین یکی از رویکردهای مهم در فقه، رویکرد حکومتی به فقه است که معتقد

است جغرافیای تکلیف مکلفان و حوزه پاسخ‌گویی فقه، جزء جزء حیات آدمی و تمامی حوزه‌های زندگی بشری- اعم از فردی و اجتماعی- می‌باشد؛ از این رو اولین و مهم‌ترین وظیفه فقه، استنباط و عرضه بایدها و نبایدها و الگوهای رفتاری در حوزه‌های مختلف حیات مکلفان از گهواره تا گور است. بر این اساس اولین تأثیر مستقیم فقه در تمدن‌سازی نوین اسلامی، برعهده گرفتن تأمین بخش نرم و اصلی تمدن؛ یعنی الگوهای رفتاری و سبک زندگی است.<sup>۹</sup> البته بخش سخت تمدن؛ یعنی ابزارهای عملیاتی کردن الگوهای رفتاری که بر مبنای ابزار، تکنولوژی و صنعت بود، به صورت پسینی و مبتنی بر الگوهای رفتاری و متناسب با آنها تولید می‌شود. این یک اصل پذیرفته‌شده، عقلانی و عقلایی است که در

در تمدن نوین اسلامی هم باید ارزش‌ها و تعالیم دینی را مد نظر قرار داد، هم ابزارها و انسان را، که در واقع بیشترین بار تمدن‌سازی بردوش انسان است؛ البته بخش ابزاری و راه رسیدن به این مسیر نیز مهم است؛ چنان‌که بخش ابزاری نیز ارزشمند است و عبارت است از ارزش‌هایی که به عنوان پیشرفت تمدن مطرح است.

هیچ تمدنی ابزار، تکنولوژی و صنعت به صورت یکه، رها و عنان‌گسیخته و بریده از عقبه فرهنگی تمدن خویش تولید نمی‌شود؛ بلکه لزوماً در راستای نظام نیازهای آن تمدن و ناظر بر فرهنگ حاکم و به صورت پسینی تولید می‌شود. بر این اساس در تمدن‌سازی اسلامی نیز بخش سخت تمدن باید ناظر بر نظام نیازها و در راستای

برآورده‌ساختن نیازهای مسلمانان و مؤمنان که با عملیاتی‌کردن الگوهای رفتاری و انجام وظایف شرعی و بایدها و نبایدهای دینی است، طراحی و تولید شود. روشن است که چنین تولیدی کاملاً به صورت پسینی و تبعی امکان‌پذیر است؛ از این رو فقه در بخش سخت تمدن نیز تأثیر بنیادینی داشته و جهت‌دهی، طراحی و تولید بخش سخت را برعهده دارد؛<sup>۱۰</sup> بنابراین می‌توان گفت که حوزه علمیه به عنوان خاستگاه معارف دینی که هسته محوری تمدن نوین اسلامی را تشکیل می‌دهند، نقش اساسی در پویایی و بالندگی تمدن نوین اسلامی دارد.

**(د) توجه به ارزش‌ها و ابزارها:** در تمدن نوین اسلامی هم باید ارزش‌ها و تعالیم دینی را مد نظر قرار داد، هم ابزارها و انسان را، که در واقع بیشترین بار تمدن‌سازی بر دوش انسان

مسیر برای تحقق تمدن نوین اسلامی هموار می‌شود؛ از این رو یکی دیگر از رسالت‌های حوزه‌های علمیه، پرورش نیروهای کارآمد و ظرفیت‌سازی متناسب با رسالت حوزه در تحقق دولت اسلامی می‌باشد.<sup>۱۲</sup>

به هر حال، برای گام نهادن در مسیر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، تعلیم نیروهای با استعداد و نخبه؛ سپس میدان دادن به آن‌ها یک اصل است؛ همچنان که مرحوم علامه مصباح یزدی نسبت به آن اهتمام داشت و ایشان را به یک شخصیت تمدنی تبدیل کرده بود. در تمدن‌سازی، وظیفه اصلی به دوش انسان‌های مؤمن و نخبه است و تا چنین انسان‌هایی پرورش پیدا نکنند، هرگز سخن گفتن از تمدن‌سازی صحیح نمی‌باشد؛ هم‌چنین در عرصه تفکر دینی، نخبه‌هایی مانند شهید صدر یا یک شخصیت عظیمی مانند علامه طباطبایی و شاگردان ایشان؛ همچون شهید مطهری، علامه مصباح، علامه جوادی آملی و غیره می‌توانند در دوران حیات خود، حوزه را یکصد سال به جلو ببرند. امروزه افزون بر این افراد، به افراد متعددی مانند این بزرگان نیاز مبرم داریم؛ ولی هنوز بسترهای آن را مهیا نکرده‌ایم.<sup>۱۳</sup>

مقام معظم رهبری این وظیفه را در درجه اول بر عهده علمای دین قرار می‌دهند: «در آن جایی که فکر و انسان؛ باید تولید شود، ببینید نقش آفرینان چه کسانی هستند. بدون شک مدیران جامعه، سیاستمداران، متفکران و روشنفکران هر کدام به نحوی می‌توانند

است؛ البته بخش ابزاری و راه رسیدن به این مسیر نیز مهم است؛ چنان‌که بخش ابزاری نیز ارزشمند است و عبارت است از ارزش‌هایی که به عنوان پیشرفت تمدن مطرح است که؛ از جمله می‌توان به علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، ابزارآلات نظامی و اعتبار بین‌المللی اشاره کرد. بنابراین بخش حقیقی پیشرفت، تمدن‌سازی است که ویژگی‌هایی؛ همانند رسیدن به سبک زندگی اسلامی، سعادت‌مندی، سبک ازدواج‌های آسان، دستیابی به مسکن و لباس بدون دغدغه، الگوی مصرف الهی و دور از اسراف، تفریحات سالم، داشتن سبک معاشرت متناسب با فرهنگ الهی، شرعی و اخلاقی، داشتن شغل متناسب با جایگاه علمی و شخصیتی افراد را می‌توان برشمرد، که این موارد هم در بخش نرم‌افزاری تمدن قرار می‌گیرد و هم در بخش سخت‌افزاری تمدن اهمیت دارد.<sup>۱۱</sup>

### ن تربیت و کادرسازی نیروهای کارآمد متناسب با رسالت انقلابی در تحقق تمدن نوین اسلامی:

تعلیم و پرورش انسان از مهم‌ترین رسالت انبیا می‌باشد، که در سایه اعتقاد به قیامت، مبارزه با ظلم و رعایت حقوق مردم اجرا می‌شود، این‌ها از اصول استوار تمدن است. قرآن کریم هدف از ارسال رسل و انزال کتاب را تزکیه و تعلیم بشر می‌داند؛ باید گفت نقش آفرینان تولید فکر باید توانایی هدایت افکار؛ هم‌چنین تربیت انسان‌ها و تقویت نیروی ایمان در آن‌ها را داشته باشند؛ چراکه تنها با حضور آحاد مردم و پرورش روح ایمان آن‌ها،



درخور استعداد خود نقش ایفا کنند؛ ولی در تربیت انسان نقش علمای دین، به عنوان نقش کسانی که در راه پرورش ایمان مردم از روش دین استفاده می‌کنند، یک نقش یگانه و منحصر به فرد است»<sup>۱۴</sup>.

هم‌چنین به برخی از نقش‌های عمده تمدنی حوزه اشاره می‌شود که می‌تواند در بحث وظایف و راهکارها به کار آید.

حوزه در نظریه‌پردازی باید با یک جهش روبه‌رو شود؛ یعنی ساختمان مرتفع تئوریک اسلام ناب را بنا کند. امروز حوزه نیازمند نوآوری در همه علوم اسلامی اعم از فلسفه، کلام، فقه، اخلاق، تفسیر و غیره است؛ بنابراین

چه خواهیم و چه نخواهیم تمدن‌سازی جز با شکل‌گیری فقه نظام‌ساز به وجود نخواهد آمد و حوزه باید باب رسیدن به فقه نظام‌ساز را باز کند؛ از این رو رسیدن به فقه نظام‌ساز، لازمه دست‌یابی به میلیون‌ها قاعده‌ای است که در تمدن‌سازی مورد نیاز است و بی‌گمان یکی از منابع تأمین این میلیون‌ها قواعد، فقه است، نیز شکل‌دهی و تکامل بخشی به علوم انسانی اسلامی به مثابه مغزافزار مدیریت جامعه اسلامی، یکی دیگر از نقش‌های تمدنی حوزه است.

مسئله دیگر، بالابردن توانمندی‌های حوزه برای پاسخ‌گویی به نیازهای کاربردی کشور است؛ باید قدری از بحث‌های کلی و نظری فاصله گرفت و با ایجاد بسترهای لازم از جمله ساخت علوم کاربردی در بطن علوم اسلامی؛ هم‌چنین تقویت وجه کاربردی علوم انسانی اسلامی، به حل مسائل کشور کمک بزرگ و در عین حال به موقع کرد. این کمک‌ها از یک طرف به تقویت وجه کارآمدی نظام منجر می‌شود و از طرف دیگر، فرصت خارج کردن تفکرات نولیبرالیستی را از سیستم مدیریتی کشور فراهم می‌کند.

نقش دیگر و مهم تمدنی حوزه؛ تحول در فرهنگ عمومی، سبک زندگی مردم، ترویج حیات معقول و اشاعه حیات طیبه در میان مردم است، که باید در جامعه‌پردازی جدی گرفته شود؛ یعنی تا وقتی سبک زندگی غربی در متن جامعه ما جولان می‌دهد و تا وقتی عقول فردی و اجتماعی رشد نکرده باشد، سخن‌گفتن از تمدن‌سازی بی‌فایده است؛ هم‌چنین از دیگر نقش‌های تمدنی حوزه، دامن‌زدن به تعاون و همکاری وسیع و همه‌جانبه در جهت اهداف مهم نیکوکارانه و کُنش‌های عظیم اجتماعی در عرصه‌های

در نظریه‌پردازی باید با یک جهش روبه‌رو شود؛ یعنی ساختمان مرتفع تئوریک اسلام ناب را بنا کند. امروز حوزه نیازمند نوآوری در همه علوم اسلامی اعم از فلسفه، کلام، فقه، اخلاق، تفسیر و غیره است؛ بنابراین چه خواهیم و چه نخواهیم تمدن‌سازی جز با شکل‌گیری فقه نظام‌ساز به وجود نخواهد آمد و حوزه باید باب رسیدن به فقه نظام‌ساز را باز کند؛ از این رو رسیدن به فقه نظام‌ساز، لازمه دست‌یابی به میلیون‌ها قاعده‌ای است که در تمدن‌سازی مورد نیاز است و بی‌گمان یکی از منابع تأمین این میلیون‌ها قواعد، فقه است.

توسعه مطلوب و پویایی تمدن اسلامی ترسیم کند.<sup>۱۶</sup>

به هر حال نقش حوزه، طراحی و ارائه معارف دینی در قالب یک تمدن برای عرضه جهانی است؛ چون که تمدن، خاصیت جهانی دارد و دین جهانی باید در قالب جهانی ارائه گردد. این کاری است، که از

حوزه انتظار می‌رود؛ بنابراین یکی از نقاط قوت حضور روحانیت در عرصه بین‌الملل، بازگرداندن دین به عرصه زندگی و حیات مردم کشورهای مختلف است؛ از این رو حضور روحانیت در عرصه تبلیغ، سبب دست‌یابی مردم به پیام انبیای الهی و ائمه اطهار<sup>علیهم‌السلام</sup> شده است. انقلاب اسلامی

به طور عام و به خصوص روحانیت، عاملی مؤثر در چرخش مردم از معنویت‌گریزی و یا سرگشتگی معنوی در دنیا شده است و روزبه‌روز از آن زمان، این حالت توجه به معنویت و بازگشت به دین در دنیا پررنگ‌تر می‌شود. نقطه قوت دیگر روحانیت، ارائه اندیشه اسلامی در ابعاد مختلف بود؛ یعنی با فراهم شدن بستر تبلیغی در دنیا برای روحانیت توسط انقلاب اسلامی، روحانیت به معرفی اندیشه اسلامی در ابعاد مختلف در عرصه بین‌المللی پرداخته است؛ بنابراین می‌توان به اهمیت راهبردی حضور روحانیت و نقش قابل توجه حوزه‌های علمیه

مورد نیاز است. این کار، جزو کارهایی است که شاید هیچ مجموعه‌ای به اندازه حوزه و روحانیت در آن ظرفیت نداشته باشد؛ یعنی کارهایی شروع شده؛ ولی نیازمند نوآوری‌های ابزاری، روشی و رساندن آن به مقیاس‌های چندین میلیونی است. تعاون و

همکاری وسیع اجتماعی، یکی دیگر از حلقات جامعه‌پردازی محسوب می‌شود.

حوزه در همه عرصه‌های خود؛ چه عرصه آموزشی، چه عرصه پژوهشی، چه عرصه تبلیغی و چه سایر عرصه‌ها، در جامعه‌پردازی به عنوان مرحله اصلی تمدن‌سازی، نقش کلیدی دارد.<sup>۱۵</sup>

در خاتمه بر اساس مباحث مطرح شده در این نوشتار؛ باید

به این نکته مهم اشاره کرد که حوزه به عنوان خاستگاه معارف دینی که هسته محوری تمدن اسلامی را تشکیل می‌دهد، نقش اساسی در پویایی و بالندگی تمدن اسلامی را دارا می‌باشد؛ بنابراین این نقش در دو حوزه نمایان می‌شود؛ نخست در حوزه تولید فکر و علم دینی و دیگر در پرورش انسان. البته در زمینه تولید فکر و علم که از الزامات یک تمدن است، حوزه با تبیین مبانی دینی در ابعاد مختلف می‌تواند دیدگاه اسلام در مسائل مختلف و جهت‌گیری دینی حرکت جامعه را در راستای رسیدن به پیشرفت و

باید به این نکته مهم اشاره کرد که حوزه به عنوان خاستگاه معارف دینی که هسته محوری تمدن اسلامی را تشکیل می‌دهد، نقش اساسی در پویایی و بالندگی تمدن اسلامی را دارا می‌باشد؛ بنابراین این نقش در دو حوزه نمایان می‌شود؛ نخست در حوزه تولید فکر و علم دینی و دیگر در پرورش انسان.

در تمدن‌سازی اشاره کرد، که اگر وظایفی در این نوشتار به آن‌ها اشاره شد، به‌نحو مناسبی از سوی سیاستگذاران و تصمیم‌گیران مورد توجه قرار گرفته باشد، می‌تواند به تحقق حوزه تمدن‌ساز کمک کند.

### پی‌نوشت:

۱. استادیار گروه معارف و علوم انسانی دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی‌تکنیک تهران).
۲. غلامرضا ضابط‌پور کاری، «نقش حوزه انقلابی در تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، نشریه سپهر سیاست، ش ۱۴، ص ۱۸۵.
۳. ابوالقاسم مقیمی حاجی، در کرسی ترویجی حوزه انقلابی و آسیب‌شناسی علوم حوزوی، ۱۳۹۶.
۴. سیدجواد میرخلیلی، انقلاب اسلامی و توسعه علوم انسانی و اسلامی، ص ۲۳۴.
۵. رسول نوروزی فیروز، «نقش انقلاب اسلامی و الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت در ایجاد تمدن اسلامی- ایرانی».
۶. علی شیرخانی، حوزه انقلابی و راهبری تمدن نوین اسلامی، ص ۳۴۸.
۷. علیرضا پیروزمند، تحول حوزه علمیه و روحانیت در گذشته و حال؛ قم: کتاب فردا، ۱۳۹۲.
۸. غلامرضا ضابط‌پور کاری، نقش حوزه انقلابی در تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ص ۳۶۹-۳۷۰.
۹. مشکانی سبزواری، ۱۳۹۰، ش ۳.
۱۰. غلامرضا ضابط‌پور کاری، نقش حوزه انقلابی در تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ص ۳۶۹-۳۷۰.
۱۱. علی شیرخانی، حوزه انقلابی و راهبری تمدن نوین اسلامی، ص ۳۴۱-۳۴۲.
۱۲. غلامرضا ضابط‌پور کاری، نقش حوزه انقلابی در تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ص ۳۷۵-۳۷۶.
۱۳. رضا غلامی، در نشست علمی «نقش حوزه‌های علمیه و روحانیت در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی».
۱۴. مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۷/۱۴.
۱۵. رضا غلامی، در نشست علمی «نقش حوزه‌های علمیه و روحانیت در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی».
۱۶. تمدن اسلامی، حوزه و دانشگاه، سایت پرسمان.